روزنه

مصطفی معین:

احزاب به نقد خود ننشینند سرمایه اجتماعی بر نمی‌گردد

مصطفی معین، وزیر علوم دولت اصلاحات، در گفت‌وگو با خبرآنلاین به اتفاقات روز پرداخته که خلاصه آن در ادامه می‌آید:

● همه‌گیری کرونا یک بحران «بهداشتی»، «اقتصادی» و «اجتماعی» فراگیر است که می‌تواند ابعاد سیاسی و امنیتی هم پیدا کند. در همین زمان اندک از شروع کرونا که در آن قرار داریم، مصیبت و مرگ‌ومیر فاجعه‌آمیز کرونا، سرپوش و تسکینی بر التهاب‌ها و تنش‌های اجتماعی ناشی از فقر و فلاکت معیشتی بر اثر ضعف مدیریت‌ها، تحریم اقتصادی آمریکا و بازتاب نگران‌کننده اخبار اختلاس و فساد مسئولان و بخش‌های مختلف حکومت بوده است. هرچند این موضوع مانند آتشی زیر خاکستر است که هر لحظه می‌تواند دوباره زبانه کشیده و شعله‌ور شود. بنابراین ضرورت دارد که تمهیداتی در سطح سیاست‌های کلی نظام اندیشیده شود که مهم‌ترین آنها ایجاد هماهنگی و وحدت عمل قوای مختلف در جهت جلب اعتماد و رضایت عمومی است.

● البته با توجه به عملکرد ضعیف چندساله دولت و بافت نمایندگان مجلس و رویکردهای سطحی و افراطی آن انتظار تحول و گشایش جدی در امور کشور به دور از واقع‌بینی است. سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر دولت در بخش سلامت فردی و رفاه اجتماعی و ارتقای شاخص‌های آن همچون حمایت‌های ویژه از اقشار کم‌درآمد، تقویت همبستگی ملی و مشارکت اجتماعی، گسترش‌دادن شبکه روابط اجتماعی و حمایتی، افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی و ارتقای روحیه سازگاری و تاب‌آوری با تکیه بر نهادهای جامعه مدنی، از جمله مواردی است که برای دوره گذار از بحران و جلوگیری از تنش‌های احتمالی، می‌توان به مسئولان ارائه کرد. داشتن یک برنامه راهبردی ملی با نگاهی آینده‌نگر هم برای مدیریت شرایط حاد کنونی و هم دوران پساکرونا موضوع مهمی است.

*فارغ از بحران کرونا و مهم‌تر از آن با ادامه شرایط فشار اقتصادی و سرخوردگی سیاسی جامعه، پیش‌بینی می‌شود که انتخابات ریاست‌جمهوری در سال آینده هم مانند انتخابات مجلس یازدهم در فضای سرد و بی‌نشاط و بدون رقابت واقعی برگزار شود.

● به نظر من تا زمانی که صداقت، وفای به عهد و کارآمدی احزاب، جریان‌ها یا فعالان سیاسی برای مردم احراز نشود، آنها منزلت و تأثیرگذاری اجتماعی لازم را نخواهند داشت. در عصر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، سوابق مثبت یا منفی مدیریت‌ها، پاکدستی یا فساد مالی یا اداری و آلودگی به مفاسدی از قبیل رشوه، رانت‌خواری و آقازادگی و... قابل جست‌وجو و استناد است.

● تا وقتی که به دلیل تحریم، امکان صادرکردن انبوه نفت خام و درآمدهای دلاری بادآورده وجود نداشته باشد، با فرض سالم‌بودن فرایند انتخابات، بازهم امکان توزیع فله‌ای پول برای به اصطلاح داغ‌کردن تنور انتخابات کمتر خواهد بود و به همان نسبت هم ظهور پرسروصدای احزاب یک‌شبه، جریان‌های فرصت‌طلب بی‌ریشه و رأی‌سازی‌های انبوه کمتر می‌شود. درعین‌حال باوجود این شرایط پرمشقت اقتصادی و آلودگی‌های مالی، هنوز هم ادعای مبارزه با فساد، جوان‌گرایی، ایجاد اشتغال و... با روش عوام‌گرایی و عوام‌فریبی و پوپولیسم حرف اول را در تبلیغات انتخاباتی خواهد زد. در چنین فضایی شعارها «اصلاح‌طلبانه و ظاهرفریب» ولی عملکردها «غیرعادلانه»، «غیراخلاقی»، «افراطی و خشن» و «عوامانه» خواهد بود.

● تا زمانی که احزاب و فعالان سیاسی به نقد و ارزیابی عملکردهای خود ننشینند و با رویکردی علمی و صادقانه نقاط ضعف و قوت آنها را مشخص نکنند و برنامه کاری خود را برای آینده ارائه ندهند، اعتماد و سرمایه اجتماعی ازدست‌رفته بر نخواهد گشت. یکی از ضعف‌های اساسی امروز، شکافی است که بین نظریه‌پردازان و فعالان و جریان‌های سیاسی با توده مردم و شرایط زندگی و نیازهای آنها به وجود آمده است. بازگشت احزاب و جناح‌های سیاسی چه اصلاح‌طلب و چه اصولگرا به کار در عرصه‌های اجتماعی و مدنی، نهادهای غیردولتی و مطالعه و شناخت مسائل و مشکلات و «درد و رنج مبتلابه مردم» و گروه‌های آسیب‌دیده و زیر خط فقر، راهبردی ضروری و گریزناپذیر برای اعاده حیثیت و جلب اعتماد عمومی به آنهاست.

● باید بدانیم ریاست‌ها و پست‌های سیاسی تنها امانت و وسیله‌ای برای خدمت به توده‌های بی‌نام‌ونشانی است که قربانیان اصلی بی‌تدبیری‌ها و سیاست‌بازی‌های رایج و تنازع بقا در کشور بوده‌اند. نیازی نیست که برای رسیدن به قدرت تحت هر شرایط هر روشی را به کار گرفت، چنانچه زمینه‌های اجتماعی، شناخت، آگاهی و اعتماد مردم، جوانان و فرهیختگان جامعه فراهم شود، با خواست جامعه، خود قدرت و مسئولیت به سراغ شایستگان خواهد رفت!

● در جامعه‌ای که مانند موج درحال نوسان و تغییر است و قابل پیش‌بینی نیست، امکان بروز هر اتفاق یا پدیده‌ای را نمی‌توان رد کرد. اما اعتقاد من بر این است که حضور شکوهمند و آگاهانه مردم و ایجاد سونامی آرای واقعی تنها در یک انتخابات آزاد، عادلانه، سالم و رقابتی امکان‌پذیر است.

روایت محمد توسلی از بیانیه بحث‌برانگیز نهضت آزادی در گفت‌وگو با «شرق»

به ظریف گفتیم در راه مصدق قدم بردار

شرق: نهضت آزادی ایران در تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۹۹، در نامه‌ای به محمدجواد ظریف؛ وزیر امور خارجه، ضمن تقدیر از او و به‌دلیل بزرگداشت دکتر مصدق در شورای امنیت سازمان ملل، بر نقش مثبت ظریف در روند برجام هم تأکید کرد و نوشت: «مواضع اخیری که در شورای امنیت سازمان ملل متحد ابراز داشتید و تأسی به راه و ذکر و نام دکتر مصدق در هنگام دفاع از حقوق اساسی و حاکمیت ملی ایران مستتر در قطع‌نامه ۲۲۳۱، عملی شجاعانه و قابل تقدیر در راستای اقناع افکار عمومی جهان و آشناساختن نسل جوان با افتخارات ملت ایران به شمار می‌رود». این نامه به وزیر امور خارجه باعث شد تا بسیاری از اشخاص و گروه‌های سیاسی به آن واکنش نشان دهند. رسانه‌های اصولگرا با اشاره به نامه نهضت آزادی به ظریف تاختند که «مصدق مسلمان نبوده است» و برخی از فعالان سیاسی مدعی شدند که نهضت آزادی از راه بازرگان و یزدی منحرف شدند و حتی سلطنت‌طلب‌ها نیز به نهضت آزادی ایران انتقاد کردند. برای بررسی هدف اصلی نگارش این نامه و نیز علت انتقادهای اخیر ساعتی را با محمد توسلی، دبیرکل نهضت آزادی، به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

عکس: رزوفه رستمی

آقای توسلی حتما در جریان نقدهای اخیری که به نامه نهضت آزادی وارد شد قرار دارید. پاسخ شما چیست؟

ابتدا باید از تمام کسانی که این بیانیه را نقد کردند، تشکر کنم. در شرایط فعلی کشور، نیاز است تا در جامعه مسائل مطرح‌شده از سوی افراد و گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی نقد و باب گفت‌وگو در سطح ملی میان آنها باز شود تا بتوانیم به یک‌سری مطالبات مشترک برسیم. اگر در این گفت‌وگوها ما به یک وفاق ملی نرسیم، بدون شک نمی‌توانیم فرایند گذار به دموکراسی را در راستای منافع ملی پشت سر بگذاریم. نکته بعدی که باید به آن بپردازم این است که مجموع نقدهای انجام‌شده به نامه نهضت آزادی ایران را به‌طورکلی می‌توان به سه قسمت دسته‌بندی کرد؛ قسمت نخست مربوط به گروه‌های برانداز بود و طبیعی است که این طیف با خط‌مشی ما موافق نباشند. بخش دیگر شامل محافظه‌کاران می‌شود که آنها نیز از بعد انقلاب به‌ویژه بعد از خرداد ۶۰ نه‌تنها در نقد نهضت آزادی بلکه در تضعیف ما به‌صورت‌های مختلف عمل کرده‌اند؛ اما در نقد اخیر به نامه نهضت آزادی، بخش جدیدی وجود دارد که با نهضت ارتباط خوب داشتند و از روی دلسوزی نقدهای خود را مطرح کردند؛ بنابراین مخاطب پاسخ ما بیشتر همین گروه است. ما درباره مسائل داخلی و خارجی از ابتدای انقلاب به‌صورت تفصیلی در بیانیه‌های مختلف نقدهای اساسی خود و راهکار عبور از مشکلات را مطرح کرده‌ایم. بارها سیاست‌های منطقه‌ای را نقد کرده‌ایم. بارها وجود نهادهای بالادستیِ وزارت خارجه و منشأ دوگانه سیاست خارجی را نقد کرده‌ایم اما برای انتشار این نامه و تقدیر از دکتر ظریف چندمحور مورد نظر بود. در شرایط کنونی که نهادهای مختلف در تصمیم‌گیری نقش دارند، یک وزیر امور خارجه‌ای در دولت حضور دارد که از نظر رشته تحصیلی مرتبط، تخصص و آشنایی با روابط بین‌الملل و توانمندی در ارتباطات انسانی در مقاطع حساسی چون مذاکرات برجام توانسته در راستای منافع ملی اقدام کند. سؤال اصلی این است که آیا چون در جامعه، نابرابری و فساد وجود دارد، باید به اقدامات این وزیر توانمند در حوزه به‌ثمررساندن مذاکرات برجام بی‌تفاوت باشیم و از عملکردی که مبتنی بر الگویی صلح‌آمیز بود، دفاع نکنیم؟ به نظر ما یکسان‌دیدن همه مسئولان و یکسان‌دیدن تمام عملکرد هر مسئولی در این شرایط دوران گذار و با نگاه اصلاحات، مطلق‌نگری و سیاه‌وسفیددیدن واقعیت‌هاست. محور بعدی مورد نظر این بود که مجلس شورای اسلامی فعلی، این وزیر امور خارجه را با خدمات و اقداماتی که مستقل از نقدها در سیاست خارجی، در راستای منافع ملی انجام داده، به فحاشی گرفتند و اکنون پرسش این است که آیا احزاب و نهادهای مدنی ما، باید نسبت به این برخورد مجلس بی‌تفاوت باشند؟

آیا تجدیدنظری در اصول، برنامه‌ها، جهت‌گیری‌ها و مشی نهضت آزادی ایران نسبت به سوابق تاریخی پدید آمده است؟ آیا در گذشته هم سابقه داشته که نهضت آزادی، نسبت به افرادی که به نهضت انتقاد دارند، با چنین لحن مشفقانه‌ای مواجه شوند؟

اتفاقا این نقد را هم کسانی که ما به حسن‌نیت آنها تردید نداریم، مطرح کرده‌اند و تصورشان این است که مواضعی که امروز نهضت آزادی دارد، با مواضعی که در زمان مهندس بازرگان و دکتر یزدی وجود داشت، تفاوت دارد. کمااینکه وقتی جریان‌های مخالف نیز می‌خواهند در رابطه با نهضت جمع‌بندی کنند، همین نظر را دارند و کتابی را جدیدا به اسم نهضت آزادی ایران از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۶ منتشر کرده‌اند که در آخر به این نتیجه می‌رسد که پرونده نهضت آزادی ایران با درگذشت دکتر یزدی بسته شده و دیگر توان ادامه‌دادن ندارد، کمااینکه مجموعه‌نهادهایی جدای از تولید چنین محتواها، با توجه به سابقه‌ای که در زمینه سایر احزاب و نهادهای اجتماعی دارند، به‌دنبال این موضوع بودند که از درون به نهضت آزادی لطمه وارد کنند. بررسی مواضع، بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها و اقدامات نهضت که در چهار سال اخیر انجام شده، در ادامه همان گفتمان پیشگامان نهضت چون مهندس بازرگان و دکتر یزدی و حتی به‌روزرسانی برخی مواضع بوده است؛ همان‌طورکه در گذشته هیچ تصمیم شخصی‌ای در نهضت انجام نداده‌اند و تمام مصوبات و بیانیه‌ها به‌صورت جمعی بوده، در این چهار سال نیز همان روش ادامه داشته است. تمام بیانیه‌ها و حتی مصاحبه‌ها در چارچوب مواضع و مصوبات جمعی بوده است. درباره بخش آخر سؤال شما نیز باید توضیح دهم که این روش در گذشته هم معمول بوده است. از جمله بعد از آنکه در جنگ تحمیلی فتح خرمشهر رخ داد، ما خواهان پایان جنگ شدیم و هزینه‌های سنگینی نیز پرداخت کردیم تا موضع خود را به اطلاع عموم مردم و مسئولان برسانیم. سال ۶۷ که آیت‌الله خمینی اعلام کرد که من جام زهر را نوشیدم و قطع‌نامه ۵۹۸ را می‌پذیرم، نهضت ضمن تجلیل از همه شهیدان از این تصمیم حمایت کرد، زیرا در راستای منافع ملی بود. شاید همین منتقدان باید بگویند که نهضت در آن مقطع هم نباید موضع می‌گرفت. باید این را بپذیریم که در دوران گذار، سیاست عرصه سیاه و سفید دیدن نیست بلکه باید همه‌چیز را خاکستری دید. به نقاط ضعف اعتراض کرد و یادآور و قدردان نکات و اقدامات مثبت و ارزنده بود. این نگاه، مبتنی بر آموزه‌های قرآنی است که دشمنی یا اختلاف با فرد و گروهی، ما را از دایره انصاف و عدالت خارج نکند. در این دوران گذار ما نباید به‌صورت مطلق به موضوعات نگاه کنیم، نیاز است تا نقاط قوت تقویت شود و نقاط ضعف نیز نقد شود تا راه گذار به دموکراسی هموار و طی شود. ما نیز در این راه به اندازه توانمان عمل کرده‌ایم و با توجه به محدودیت‌هایی که برای ما وجود دارد، بیش از وسعمان نمی‌توانیم کاری انجام بدهیم و ان‌شاءالله از خداوند باری تعالی نیز می‌خواهیم که هرجا قصور و اشتباهی کرده‌ایم، بر ما ببخشد.

قدری از نکات مثبت بیانیه و مسائلی که از سوی خوانندگان منتقد، نادیده انگاشته شد بگویید.

نکته اصلی این نامه فقط تعریف از آقای ظریف نبود، بلکه بخش عمده آن را نقد وزیر امور خارجه و روند موجود سیاسی تشکیل می‌داد، اما چون عموما مردم فقط به‌عنوان بیانیه توجه بیشتری دارند، به متن آن به‌ویژه از سوی منتقدان کمتر توجه شده است. ما به‌دلیل اینکه آقای ظریف بخشی از سخنرانی دکتر مصدق را مطرح کردند، از این فرصت استفاده کردیم تا این پیام را به ایشان برسانیم که در کنار استفاده از گفتار و نام مصدق باید از «راه» او نیز که به‌عنوان یک راهبرد برای خروج از بحران‌های کشور مطرح است، توجه کنند. دکتر مصدق چگونه با ملت خود پیوند داشت، باور به آزادی، حاکمیت ملی و حاکمیت قانون داشت که توانست نه‌تنها در سطح منطقه‌ای بلکه در سطح جهانی یک گفتمان را معرفی کند. امروز کسانی که به‌دنبال منافع ملی هستند، اذعان می‌کنند که «راه مصدق» بهترین راهبرد برای خروج از بحران‌های کشور است؛ بنابراین بخش عمده این نامه جلب توجه آقای ظریف و نقد محترمانه او و مسئولان است؛ بنابراین دلایل نهضت در انتشار این نامه هم‌زمان با تقدیر از آقای ظریف، نقد او هم بود تا به این موضوع توجه کنند که شیوه‌های کنونی نمی‌تواند ما را از بحران‌های کنونی رهایی بخشد؛ مگر اینکه تغییری مدیریتی رخ بدهد و به حقوق اساسی ملت و اصول نادیده‌انگاشته‌شده قانون اساسی برگردیم.

شاید بخشی از انتقادهایی که به نامه اخیر نهضت وارد شد، برآمده از انتقادهای عمومی خاصه انتقادهای جوانان نسبت به موضوعات کلی کشور باشد که به نظر می‌رسد چنین شرایطی قدری امید را هم در کشور کم کرده است. برای رفع چنین حالتی چه باید کرد؟

من واقعا به نسل جوان حق می‌دهم. نسلی که امید به آینده خود را از دست داده‌اند و حتی با بالاترین مدارک دانشگاهی نیز بی‌کارند. ما مدیون این نسل هستیم و باید حق بدهیم. پس در آنچه بیان می‌کنیم باید مصالح بلندمدت این نسل و آحاد ملت را در نظر بگیریم، اما در شرایط کنونی نمی‌توانیم احساسی برخورد کنیم. سؤالی که در اینجا باید پاسخ داده شود، این است که آیا شورش‌های اجتماعی کور این نسل معترض در شرایط کنونی جامعه و بدون توسعه نهادهای مدنی می‌تواند مطالبات این نسل را محقق کند؟ تمام تحلیل‌ها و واقعیت‌های حاکم در جامعه نشان می‌دهد که این فرایند باید طی شود تا به شرایطی برسیم که جریان اجتماعی ایران بتواند تأثیر خود را داشته باشد؛ همان‌طورکه قبلا گفته شده، کمک به انسجام احزاب و نهادهای مدنی در داخل کشور حول محور مطالبات مشترک ملی و تقویت جریان اجتماعی ایران ضروری است تا این فرایند طی شود. بدون طی‌کردن این فرایند جز هرج‌ومرج، جز ریختن آب به آسیاب بیگانگانی که دنبال تجزیه تمامیت ارضی کشورند، هیچ حاصلی نخواهد داشت. این نوع شورش‌های کور عملا کمک به برنامه‌هایی است که آمریکا، اسرائیل و برخی از کشورهای منطقه مانند عربستان و برخی از گروه‌هایی که بعد از انقلاب به‌دنبال براندازی بوده و هستند و توجهی به منافع ملی و تمامیت ارضی ایران ندارند، دنبال می‌کنند. به تعبیر دکتر ابراهیم یزدی برای گذار به دموکراسی و حاکمیت ملت «ما راه طولانی آمده‌ایم و راه طولانی‌تر در پیش داریم». باید هر راهکاری برای نجات ایران، از داخل کشور و درون‌زا باشد. البته به نظر بنده یک خودآگاهی در اکثریت مردم ما وجود دارد تا آب به آسیاب بیگانه نریزد.

در پایان این خودآگاهی را بازتر کنید و آیا این روند در سال ۱۴۰۰ نیز ادامه خواهد داشت؟

من مسئله را برای شما باز نمی‌کنم؛ زیرا رخدادهای دوم خرداد ۷۶ و خرداد ۸۸، انتخابات سال ۹۲، ۹۴، ۹۶ و ۹۸ و به عقیده من انتخابات سال ۱۴۰۰ نیز هریک نشانگر آگاهی به‌روزشده جامعه ما بوده و خواهد بود. در انتخابات ۹۸ مردم پیام خود را به‌صورت شفاف دادند؛ بنابراین مردم ما به‌طور نسبی به سطحی از خودآگاهی رسیده‌اند که سزاوار شرایطی دموکراتیک باشند و این مسئله خود یک سرمایه اجتماعی است. این آگاهی‌ها باید ادامه پیدا کند تا بتوانیم با حداقل هزینه، فرایند گذار به دموکراسی را طی کنیم.

خبر

بیانیه شدیداللحن حزب‌الله در پی ترور رهبران جنبش جهاد اسلامی

● **ایسنا:** حزب‌الله لبنان در بیانیه‌ای با عبارت‌های شدیداللحن، تلاش رژیم صهیونیستی برای هدف قراردادن رهبران جنبش جهاد اسلامی در دمشق را محکوم کرد.به گزارش سایت النشره، در بیانیه حزب‌الله لبنان آمده است: حمله موشکی به مرکز جهاد اسلامی فلسطین که منجر به شهادت دو تن شد، تجاوزی بزدلانه بود که تنها عزم و اراده مجاهدان برای انجام اقدامات بیشتر برای آزادی سرزمین و بازپس‌گیری مقدسات را بیشتر می‌کند.حزب‌الله لبنان همچنین جنایت وحشیانه‌ای که ارتش رژیم اشغالگر صهیونیستی در نوار غزه مرتکب شد و با بولدوزر یک شهروند فلسطینی را در مقابل دیدگان همه بر زمین کشید، محکوم کرد.شاهدان عنوان کردند، یک بولدوزر اسرائیلی پیکر شهید فلسطینی را به شیوه‌ای توهین‌آمیز از محل خارج کرد؛ در حالی‌که جوانان فلسطینی، نفر دوم را از محل تیراندازی بیرون برده و به بیمارستان اروپایی منتقل کردند.در ادامه این بیانیه آمده است؛ اقدامات وحشیانه رژیم صهیونیستی بیانگر صریح و آشکار بربریت این رژیم و عدم آشنایی کامل آن با اصول اخلاقی، انسانی و دینی است. حزب‌الله لبنان از سکوت مشکوک دولت‌ها و سازمان‌های حقوق بشری در قبال این جنایت وحشیانه ابراز تعجب کرد و از همه انسان‌های شریف خواست این جنایت را محکوم کنند. مقاومت حزب‌الله لبنان این سکوت را به منزله سرپوش نهادن و تأیید اقدامات رژیم صهیونیستی و طرفداری آشکاری از قاتلان اسرائیلی دانست، چراکه اگر کمتر از آنچه در غزه رخ داد، در مکان دیگری از جهان رخ می‌داد، سراسر جهان شاهد کمپین‌های بدنام‌کردن گسترده رژیم صهیونیستی می‌بود.پیش‌تر خبرگزاری رسمی سوریه از ناکام گذاشته‌شدن حمله رژیم صهیونیستی به دمشق و رهگیری اکثر موشک‌های شلیک‌شده از سوی جنگنده‌های این رژیم توسط پدافند هوایی سوریه در نیمه‌شب یکشنبه در آسمان حومه دمشق خبر داد.با این حال سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی مدعی شد که جنگنده‌های این رژیم اهداف متعلق به جنبش جهاد اسلامی فلسطین در جنوب دمشق را هدف قرار داده است.گردان‌های سرایا القدس، شاخه نظامی جهاد اسلامی روز گذشته در بیانیه‌ای اعلام کرد دو تن از نیروهای این گردان‌ها با نام‌های «زیاد احمد منصور» ۲۳ ساله و «سلیم احمد سلیم» ۲۴ ساله در جریان تجاوز رژیم صهیونیستی به حومه دمشق به شهادت رسیدند.

ادامه از صفحه ۲

تنگه چارزبر چگونه مرصاد شد؟

آنها حتی موفق شدند با سه خودروی تویوتای استیشن در همان روز پنجم مرداد از تنگه چارزبر بگذرند که در مسیر راه کرمانشاه به صورت اتفاقی با خودروی محافظان امام جمعه سمنان برخورد کردند و در درگیری با آنها یک زن منافق کشته و یک خودروی منافقین نیز به غنیمت گرفته شد. در مجموع عمده قوای منافقین امکان عبور از تنگه چارزبر را پیدا نکردند. در چنین وضعیتی منافقین چاره را در فرار دیدند و حین فرار به خاک عراق کشته شدند. تعدادی هم با خوردن قرص‌های سیانور به زندگی خود پایان دادند و برخی به روستاهای اطراف فرار کردند که با کمک رزمندگان اسلام و مردم ۶۰ نفر از آنان نیز دستگیر شدند. در بین دستگیرشدگان برخی از سران شاخص منافقین مانند سعید شاهسوندی، فرهاد الفت و مهدوی نیز حضور داشتند. تا آخرین لحظه عملیات، مسعود رجوی رئیس منافقین وارد صحنه عملیات نشد.عملیات که تمام شد، در جاده کرمانشاه به اسلام‌آباد غرب، اجساد تعداد زیادی از منافقین به همراه تجهیزات جنگی آنها و تانک‌ها و نفربرهای سوخته باقی مانده بود. منافقین در این عملیات ۷۲ تانک، ۲۱ نفربر، ۵۱ تفنگ ۱۰۶م م و ۶۱۲ خودروی خود را از دست دادند و ۴۱/۷ درصد از کادرهای اصلی منافقین ضربه خوردند. به این صورت عملیات منافقین با ناکامی و شکست، به پایان رسید و عملیات رزمندگان اسلام با نام مرصاد به پیروزی منجر شد. در این عملیات، بیش از ۳۰ درصد یعنی نزدیک به دو هزار نفر از منافقین کشته و هزارو صد نفر آنها نیز مجروح شدند و قوای ایران دوباره خود را به مرز با عراق رساندند. ۹۹۴ نفر از منافقین هم زنده و سالم ماندند و توانستند فرار کنند. در عملیات مرصاد ۷۰۰ نفر از رزمندگان نیز به شهادت رسیدند.با چنین فداکاری‌هایی بود که سرانجام ایران توانست به جنگ خاتمه دهد و به سمت صلحی حرکت کند که صدام و حزب بعث از حکومت عراق ساقط شوند و منافقین ناچار شوند از عراق فرار کنند و به آلبانی بروند.

*فرمانده وقت نیروی دریایی سپاه